

هو الأبهي الأبهي - ای سلاله شخص خطیر راضی و مرضی ...

عبدالبهاء عباس

اصلی فارسی



لوح رقم (144) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء،
جلد 8، صفحه 107

هو الابهي الابهي

ای سلاله شخص خطیر راضی و مرضی درگاه حضرت رب قدیر وقت ضحی و هنگام حرکت و اشتغال ناس بشون نفس و هوی ست هر کس بهوسی گرفتار و هر شخصی در غرضی نموداریکی در بحر منافع مستغرق و دیگری در مفازه مکاسب مستهلک یکی راحت جان طلبد و دیگری مسرت وجدان نفسی شهد و شکر جوید و کسی عود و عنبر بر آتش مجمر خواهد یکی در عیش و عشرتست و دیگری در بند طیش و قید راحت یکی آرزوی اوج عزت نماید و دیگری تمنای فوج نصرت و حمایت و این عبد در زاویه نحول نشسته و حضرت زین المقربین علیه بهاء الله الابهي حاضر و بعضی از امراء عسکر این کشور نیز موجود و بعضی از دوستان نیز داخل از جهتی با امراء عسکر در مکالمه و مصاحبت و از جهتی با دوستان در مؤانست و از جهتی مشغول بتشیت مهام امور داخله و خارجه و از جهتی مشغول بتحریر این ورقه ملاحظه کن دل چگونه بنار محبت احباء الله مشتعل است که جمیع این موانع مانع نمیگردد و قلم بذکر دوستان و یاد یاران مشغولست و روح بنفحات محبتشان پر روح و ریحان و ان هذا هو الفضل العظيم و اللطف المبين و الجود الكثير

ای دوستان الهی وقت شوق و اهتزاز است و هنگام نغمه و آواز دم یابشری و یابشری است و نفس یاطوبی و یاطوبی آن شعله و جوش است و حین هوش و خروش پزمرده نمائید و افسرده نگردید دمی نیاسائید و آنی راحت



ORIGINAL

نکنید همیشه در پرواز باشید و مدام در عجز و نیاز جمال مبارک را فراموش نکنید و الطاف بی‌پایانرا از خاطر
مبرید ملاحظه کنید که آن ذات مقدس بجهت هدایت ما چه بلایا و محن تحمل فرمود و چه رزایا در سر و علن
بر نفس مبارک هموار نمود در فجر ابداع بانوار مصیبت کبری طلوع فرمودند و در افق عالم انشاء پیرتورزیه
عظمی ظهور نمودند چه که آنمصائب و بلایا هر چند بر نفس مقدس سخت و دشوار بود ولی سبب هدایت و
نورانیت من فی الوجود گردید و علت حیات و زندگانی عالم غیب و شهود پس باید شب و روز این مصائب را
بخاطر آریم و آن بلایا را یاد آوریم و آن عنایات را ذکر کنیم و بشکرانه آن الطاف بعهد و پیمان محکم تمسک جوئیم
و ثابت و راسخ مانیم و بنشر نفعات الله مشغول گردیم و در تعزیز امرش بکوشیم و در انتشار خلق و خویش
جهد نمائیم ای پروردگار این دوستان یاران تواند و این جمع عاشقان پریشان تو ملجئ جز پناه تو ندارند و مأمنی
بغیر از بارگاه تو نجویند پس مدد فرما و عنایت و نصرت فرما و هدایت و بآنچه رضای خودت است دلالت
کن و بر امرت مستقیم و استوار بدار بیچارگانیم آوارگانیم درماندگانیم افسردگانیم پزمردگانیم جانی بخش روانی
بده دری بگشا گشایشی بنما سر و سامانی بخش دارو و درمانی بنما زخم را مرهمی کن و زهر را شکری نما
ظلمات را انوار کن و زحمات را راحت آشکار جز تو نداریم جز تو ندانیم جز تو نجوئیم جز نامت نگوئیم جز در
بادیه محبت نپوئیم مرحمت فرما عنایت کن هدایت بخش انک انت القوی القدير (ع ع)